

ارزیابی عملکرد شبکه استانی خوزستان در مدیریت بحران زیست محیطی ریزگردها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

کد مقاله: ۴۴۹۲۸

محسن علیخانی^{۱*}، علی اکبر رزمجو^۲، سیاوش صلواتیان^۳

چکیده

استان خوزستان سال ها است که با بحران ریزگردها روبروست. با توجه به اهمیت نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران‌های زیست-محیطی، به ویژه رسانه‌های محلی و استانی، ارزیابی عملکرد شبکه استانی خوزستان در بحران زیست محیطی ریزگردها هدف این پژوهش قرار گرفت. با توجه به این هدف برای دستیابی به نتایج از روش تحلیل محتوای کمی مقوله ای استفاده شد. برای نمونه‌گیری ابتدا به شکل هدفمند، پنج برنامه‌ی شاخص شبکه خوزستان، پخش شده در سال‌های ۹۵-۹۶ انتخاب و سپس به شکل تصادفی هر ماه یک قسمت از هر برنامه و در مجموع ۱۲۰ قسمت انتخاب شد. در نهایت پس از تحلیل داده‌ها مشخص گردید که نزدیک به یک چهارم برنامه‌های بررسی شده به موضوع ریزگردها اختصاص داشته است و ۵۵/۴۶ درصد از محتوای مرتبط با ریزگردها، منطبق بر وظایف و نقش‌های شبکه استانی خوزستان در بحران ریزگردها بوده است و ۴۴/۵۴ درصد نیز منطبق بر وظایف نبوده است. همچنین مشخص شد که بیشترین محتوای منطبق بر وظایف شبکه خوزستان مربوط به ایفای نقش‌های «نظارت و مطالبه‌گری» و «ارائه اطلاعات» بوده است و نقش‌های «تقویت مشارکت عمومی و همبستگی ملی» و «آموزش و فرهنگ‌سازی» سهم اندکی دارند.

واژگان کلیدی: ارزیابی عملکرد، مدیریت بحران، بحران زیست محیطی، ریزگردها، شبکه خوزستان

۱- دانشگاه صدا و سیما، تهران، (نویسنده مسئول) Mohsen3090alikhani@gmail.com

۲- دانشگاه صدا و سیما، تهران،

۳- دانشگاه صدا و سیما، تهران،

رسانه‌های جمعی و به‌ویژه تلویزیون، به واسطه قابلیت‌ها و کارکردهایی چون اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرم‌سازی و مهم‌تر از همه فرهنگ‌سازی، می‌توانند نقش بی‌بدیلی در بحران‌ها ایفا کنند، به گونه‌ای که امروز رسانه‌ها جزء بی‌بدیل بحران‌ها به شمار می‌روند [1]. اما نقش رسانه‌های جمعی در بحران‌های زیست محیطی نیز بسیار قابل توجه است. رسانه‌های ارتباطی، ادراکات، فهم‌ها، هراس‌ها و دغدغه‌های ما نسبت به طبیعت را شکل می‌دهند. بنابراین، باورها و دانش ما درباره محیط‌زیست و شیوه‌ای که به آن معنا می‌بخشیم، آن را می‌نگریم، درک می‌کنیم، به آن ارزش می‌بخشیم و با آن مرتبط می‌شویم، چه به عنوان افراد و چه به عنوان فرهنگ‌ها و جوامع، به واسطه رسانه‌ها فراهم و در واقع، بر ساخته می‌شود. از این رو، رسانه‌های ارتباط‌جمعی در ساخت و بر-ساخت آگاهی ما از مسائل زیست‌محیطی و میزان حساسیت‌مان نسبت به آنها نقشی محوری دارند و چگونگی واکنش‌های ما نسبت به این مسائل و شیوه‌های حل و فصل‌شان را تعیین می‌کنند [18]. همچنین رسانه‌های جمعی با دادن اطلاعات محیط-زیستی، موجب تغییر رفتار و گسترش فرهنگ محیط‌زیستی جامعه می‌شوند. همچنین با منعکس کردن نقاط ضعف و قوت عملکرد هر سازمان یا اداره، می‌توانند افکار عمومی را نسبت به آن مسائل حساس کنند و مسئولین نیز با توجه به این که رسانه انعکاس-دهنده فعالیت‌های آن‌هاست، نسبت به جبران کمبودها اقدام کنند. رسانه‌های جمعی به عنوان ناظر بر فعالیت‌های هر سازمان، نقش ارزنده‌ای در بهبود شرایط و جلوگیری از کمبودها بر عهده دارند [15]. در این میان، چون رسانه‌های جمعی محلی منابع شهروندی بیشتری در مقایسه با رسانه‌های ملی در اختیار دارند و همچنین بحران‌های رخ داده در جوامع محلی خود را بحران خودشان میدانند [13]. می‌توانند نقش پررنگ‌تری در مدیریت رسانه‌های بحران‌های محلی ایفا کنند. استفاده نکردن از ظرفیت‌های رسانه‌های محلی، کارکرد رسانه‌ها در برقراری تعامل مثبت میان جامعه و محیط زیست را با مشکل مواجه می‌کند و مانع استفاده کامل از تمام ظرفیت‌های موجود می‌شود [16]. با توجه به جایگاه و اهمیت نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه رسانه‌های محلی و استانی در بحران‌های طبیعی محلی، نقدهایی از سوی برخی کارشناسان و صاحب‌نظران نسبت به عملکرد رسانه‌های محلی در بحران ریزگردها مطرح شد. زینب شریفی دکترای ارتباطات با انتقاد از عملکرد رسانه‌های محلی در بحران ریزگردها با اشاره به نقش بی-بدیل این رسانه‌ها می‌گوید: "رسانه‌های محلی باید رسانه‌های سراسری را نسبت به این موضوع حساس کنند و باعث برجسته شدن موضوع شوند تا این موضوع و مسائل محیط‌زیست اولویت رسانه‌های ملی شوند" [7]. هم‌چنین اکبر نصرالهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه در مصاحبه با خبرگزاری فارس با انتقاد از عملکرد رسانه‌های محلی اینچنین عنوان می‌کند که: "در ماجرای خوزستان، کار رسانه‌ها بیشتر انعکاس رویدادی بود، تربیون مسئولان بودند، اما وقتی که دیدند فضای مجازی این سونامی مطالبات و انتقادات را شکل دادند آنها هم همراهی کردند و سعی کردند عقب نمانند" [8]. فراگیرترین رسانه محلی استان، شبکه استانی خوزستان است که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن مدیریت بحران‌های محلی است [14]. به نظر می‌رسد که قبل از هرگونه نقد و اظهار نظر در خصوص عملکرد شبکه خوزستان در بحران ریزگردها، لازم است تا عملکرد این شبکه مورد ارزیابی دقیق علمی قرار گیرد. بی‌تردید پس از این ارزیابی است که می‌توان به صورت منصفانه به نقد و بررسی عملکرد این شبکه در بحران ریزگردها پرداخت. با انجام این ارزیابی می‌توان دیدی منطقی و عمیق نسبت به وضع موجود عملکرد این شبکه پیدا کرد. هر اندازه شناخت مسئولان و مدیران نسبت به واحد تحت کنترل خود عمیق‌تر و حقیقی‌تر باشد، اداره واحد موردنظر آسانتر خواهد بود و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های انجام شده در آن واحد در جهت رسیدن به هدف‌های مطلوب منطقی و قابل اجراتر خواهد بود [4]. با عنایت به موارد ذکرشده، این پژوهش با هدف ارزیابی عملکرد شبکه استانی خوزستان در بحران ریزگردها طراحی و اجرا شد تا بتوان با دیدی عمیق‌تر به شناخت وضع موجود و طراحی حرکت به سمت وضع مطلوب پرداخت. بی‌شک ارزیابی عملکرد شبکه خوزستان در بحران ریزگردها می‌تواند آغازی باشد برای شناخت عمیق‌تر نقش رسانه‌های محلی در بحران‌های زیست محیطی که در سال‌های اخیر کشور ما را به شکل گسترده درگیر کرده است و فتح بایی برای ارزیابی عملکرد رسانه‌های محلی در بحران‌های مختلف زیست‌محیطی باشد.

۲- ادبیات نظری پژوهش

۲-۱- تعریف ارزیابی عملکرد

تعاریف مختلفی برای ارزیابی عملکرد ارائه شده است که در تعریفی جامع می‌توان اینگونه این واژه را تعریف کرد: فرآیندی نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل، و تفسیر اطلاعات، به این منظور که تعیین شود آیا هدف‌های موردنظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزان [11].

۲-۲- ضرورت و اهمیت ارزیابی عملکرد

سنجش، ارزیابی و بهبود مستمر عملکرد سازمان‌ها نیروی هم‌افزایی عظیمی ایجاد می‌کند که این نیروها می‌توانند پشتیبان برنامه رشد و توسعه و ایجاد فرصت‌های تعالی سازمانی شوند. بدون کسب آگاهی از میزان پیشرفت و دستیابی به این اهداف، و بدون شناسایی چالش‌های پیش رو و کسب بازخور و اطلاع از میزان اجرای سیاست‌های تدوین‌شده و شناسایی مواردی که به

بهبود جدی نیاز دارند، بهبود مستمر عملکرد میسر نخواهد شد. هر چه را که نتوانیم اندازه‌گیری کنیم نمی‌توانیم کنترل کنیم و هر چه را که نتوانیم کنترل کنیم مدیریت آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع می‌توان گفت سازمانی بدون سیستم ارزیابی عملکرد غیرقابل تصور است [5].

۲-۳- الگوی ارزیابی سیپ

الگوی سیپ (CIPP) یکی از الگوهای ارزیابی است که از رویکرد مبتنی بر مدیریت برخاسته است [11]. تمرکز اصلی این رویکرد بر تشخیص و برآوردن نیازهای اطلاعاتی مدیر تصمیم‌گیرنده است. منطق اساسی در این رویکرد بر این اصل استوار است که اطلاعات حاصل شده به وسیله ارزیابی می‌تواند بخش مهم و ضروری یک تصمیم‌گیری خوب و منطقی باشد و ارزشیابان می‌توانند بهترین خدمات و اطلاعات را به مدیران ارائه دهند [6]. پدیدآورندگان الگوی سیپ، دانیل ال. استافل‌بیوم و همکاران او (۱۹۷۱) هستند. عنوان سیپ از حروف اول کلمات بافت یا موقعیت (context)، درون‌داد (input)، فرآیند (process)، و فرآورده (product) به دست‌آمده است. این الگو دارای چارچوبی است که مدیران و تصمیم‌گیرندگان را در چهار نوع تصمیم‌گیری فوق‌کمک می‌کند [11]. در پژوهش حاضر ارزیابی فرآورده که همان برنامه‌های پخش شده از شبکه استانی خوزستان است مد نظر است، بنابراین به ارائه توضیحاتی در این خصوص می‌پردازیم. نقش ارزیابی محصول این است که تعیین کند به چه میزان با حرکت کردن طبق نقشه تعیین شده، اهداف برنامه تحقق یافته است [19]. در این ارزیابی معلوم می‌شود که نتایج به دست‌آمده چه هستند. بعد نتایج حاصله با هدف‌های برنامه مقایسه می‌گردند و رابطه بین انتظارات و نتایج واقعی مشخص می‌شوند. پس از بررسی کامل نتایج، اطلاعات لازم در اختیار تصمیم‌گیرندگان گذاشته می‌شود تا در صورت لزوم درباره ادامه برنامه، متوقف ساختن آن، یا تجدیدنظر در آن اتخاذ تصمیم کنند [11]. ارزیابی برونداد معمولاً در سه مرحله زمانی متفاوت انجام می‌گیرد:

الف) در جریان اجرای برنامه و همچنین پایان هر یک از مراحل برنامه به منظور پی بردن به چگونگی اجرای برنامه طبق راهبرد و موفقیت آن در نیل به هدف‌های پیش‌بینی شده برای آن مراحل.

ب) در پایان اجرای کامل برنامه، به منظور پی بردن به میزان موفقیت کلی برنامه در رسیدن به هدف‌های تعیین شده.

ج) مدت زمانی پس از اجرای کامل برنامه، به منظور پی بردن به میزان پایداری و اثربخشی نتایج حاصل از برنامه [19]. جهت ارزیابی برونداد از تحلیل کیفی یا کمی استفاده می‌شود. ارزیابی برونداد به منظور ادامه فعالیتها، قطع آنها، تعدیل یا تغییر برخی از جنبه‌های مورد نظر انجام می‌شود. علاوه بر آن به وسیله ارزیابی برونداد می‌توان آثار اجرای برنامه‌ها را اعم از آثار منتظره و غیرمنتظره فراهم آورد [2].

۳- روش‌شناسی

هدف پژوهش، ارزیابی عملکرد شبکه خوزستان در بحران ریزگردهاست که برای دستیابی به این هدف الگوی ارزیابی سیپ مد نظر قرار گرفت و بر اساس آن و جهت ارزیابی برونداد از روش تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای استفاده گردید. جامعه آماری این مرحله از پژوهش، برنامه‌های تولیدی و زنده به زبان فارسی پخش شده از شبکه خوزستان در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بوده است. علت انتخاب این سال‌ها، تشدید بحران ریزگرد در استان خوزستان و پررنگ بودن بازتاب این مسئله در رسانه‌هاست. ابتدا به صورت هدفمند و با مدنظر قرار دادن اهداف، درونمایه، رسالت، فرم و تم برنامه‌های زنده و تولیدی فارسی‌زبان پخش شده از شبکه خوزستان طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶، پنج برنامه شاخص سیاسی، اجتماعی و شهری «برآیند»، «افق روشن»، «بی‌تعارف»، «شب‌های کارون» و «مجله خبرنگاران» جهت بررسی انتخاب شد.

برآیند: برنامه‌ای متفاوت از سیمای مرکز خوزستان با موضوع بررسی آسیب‌های اجتماعی استان خوزستان است که در هر قسمت از برنامه به موضوع خاصی پرداخته می‌شود و با دعوت از مسئولان و کارشناسان حوزه مربوطه به نقد و بررسی مشکلات و آسیب‌های موضوع می‌پردازند.

افق روشن: عنوان برنامه‌ای می‌باشد که از شبکه استانی به صورت زنده پخش می‌گردد. این برنامه با هدف بررسی و طرح مشکلات استان و با دعوت از مهمانان و برقراری ارتباط تلفنی با مسئولان سعی در ارائه راهکارهای مناسب جهت برطرف نمودن و چاره‌سازی برای معضلات دارد.

بی‌تعارف: عنوان برنامه‌ای است که در شبکه استانی سیمای خوزستان تهیه و پخش می‌شود. در این برنامه هدف اصلی رسیدگی و پیگیری مشکلات شهروندان استان می‌باشد و در هر برنامه یکی از موضوعاتی که شهروندان در خواست داشته‌اند پیگیری می‌شود و با تهیه گزارش و ارتباط با مسئولان مورد نظر سعی بر آن دارد تا هر چه سریع‌تر مشکل به‌وجود آمده برطرف شود.

شب‌های کارون: ویژه برنامه شبانه سیمای مرکز خوزستان است که با رویکردی جدید سعی بر آن دارد تا لحظات شادی برای هم‌استانی‌های عزیز فراهم آورد. آیتم‌های این برنامه شامل: گزارش، نماهنگ، دعوت از نخبگان و ... می‌باشد.

با خبرنگاران: عنوان برنامه‌ای است که توسط باشگاه خبرنگاران جوان خوزستان تهیه می‌شود و از شبکه استانی خوزستان پخش می‌گردد. در این برنامه گزارش‌های مختلف تهیه شده در موضوعات مختلف پخش می‌شود [12].

با توجه به پخش هفتگی این برنامه‌ها و بازه زمانی (۲۴ ماه) در نظر گرفته شده، به شکل تصادفی در طول هر ماه (جهت پوشش نمونه‌گیری در طول سال و ارزیابی دقیق‌تر) یک قسمت از هر برنامه انتخاب گردید. به این طریق که از هر برنامه ۲۴ قسمت انتخاب شد که حدود یک‌چهارم قسمت‌ها را پوشش می‌داد. در مجموع برای پنج برنامه مشخص شده، ۱۲۰ قسمت معادل ۵۳۰۴ دقیقه و ۴۴ ثانیه جهت بررسی انتخاب گردید. واحد تحلیل در تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای بر اساس مسئله پژوهش تعیین می‌شود. با توجه به ماهیت مسئله پژوهش حاضر، هر پیام از محتوای برنامه‌های انتخاب شده شبکه خوزستان به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد. این پیام‌ها ممکن است در چندثانیه و یا چنددقیقه پخش شده باشند. زمان ارائه پیام مرتبط با بحران ریزگردها به عنوان فراوانی واحد تحلیل در نظر گرفته شد. برای انجام تحلیل محتوا در این مرحله، لازم بود تا مقولات مورد نظر جهت ارزیابی برنامه‌های شبکه خوزستان تعیین گردند. بنابراین پژوهشگر با استفاده از ادبیات نظری و وظایف ذکر شده برای رسانه‌های محلی در بحران‌های طبیعی، لیست و تعاریف عملیاتی مقولات را استخراج کرد تا جهت استفاده پژوهشگر و کدگذار دوم قابل درک باشند. لیست مقولات و تعاریف عملیاتی در ادامه آورده شده است.

جدول ۱. فهرست متغیرها و مقولات

| متغیرها | مقولات |
|--|--|
| ۱- آموزش و فرهنگ‌سازی | ارائه آموزش‌های مصون‌ساز و انطباقی |
| | استفاده از کارشناسان جهت آموزش زیست‌محیطی |
| | استفاده از روش‌های متنوع و جذاب جهت آموزش اثربخش |
| | تقویت فرهنگ مشارکتی و تعامل شهروندان در حل بحران |
| ۲- آگاه‌سازی و هشداردهی | ارتقای دانش عمومی درباره مفاهیم بحران (منشا پیدایش، علل تشدید، میزان و شدت و راهکارهای مقابله) |
| | ارائه اطلاعات تاریخی و نمایش تجربیات گذشته و تجربیات سایر کشورها در مدیریت بحران‌های مشابه |
| | برجسته‌سازی آثار نامطلوب بحران در کوتاه و بلندمدت |
| | حساس کردن سازمان‌های مسئول نسبت به بحران با یادآوری وظایف محوله |
| ۳- ارائه اطلاعات | هشداردهی نسبت به وضعیت زیست‌محیطی منطقه و بحران‌های احتمالی |
| | ارائه آمار و اطلاعات صحیح، دقیق و شفاف |
| | ایجاد اشباع اطلاعاتی در مخاطب با ارائه اطلاعات کامل و حداکثری |
| | ارائه اطلاعات با رویکردی انتقادی |
| ۴- نظارت، مطالبه‌گری و پاسخ‌طلبی | کنترل و خنثی‌سازی شایعات |
| | پیگیری وعده‌های مسئولان استانی و ملی |
| | انتقال مشکلات و مسائل مخاطبان و پاسخ‌طلبی از مسئولان استانی و ملی |
| | مطالبه حقوق شهروندان از مسئولان استانی و ملی |
| ۵- تقویت مشارکت عمومی و همبستگی ملی | کنترل و نظارت بر امور مدیریت بحران و عملکرد دستگاه‌های مسئول |
| | خودانتقادی و نظارت بر عملکرد خود |
| | بهره‌گیری از شهروندان جهت جلب توجه مسئولان و مخاطبان ملی |
| | شکل‌دهی به هویت جمعی مخاطبان بیرون و درون بحران |
| ۶- امیددهی و آرامش بخشی | بسیج دستگاه‌ها و شهروندان جهت مدیریت بحران |
| | ارسال پیام‌های وحدت بخش و افزایش هم‌دلی بین مردم |
| | مدیریت عواطف و هیجانات جامعه با بهره‌گیری از زبان و رفتارهای آرامش بخش |
| | تخلیه روانی آسیب دیدگان با پخش صدا و تصویر آن‌ها |
| ۷- تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران | همدردی با مخاطبان آسیب دیده از بحران |
| | تقویت روحیه تحمل و مدارا در شهروندان نسبت به بحران |
| | ایجاد امید و القای حس قابل حل بودن بحران |
| | انعکاس مطلوب هشدارها، دستورالعمل‌ها و اطلاعیه‌ها |
| | اطمینان‌دهی به شهروندان از روند پیشرفت مدیریت بحران با ارائه گزارش و نمایش تلاش مسئولان |

پس از تنظیم لیست مقولات، با توجه به جامعه آماری پژوهش و روش نمونه‌گیری مدنظر، نمونه‌ها انتخاب شدند. پس از مشاهده برنامه‌های انتخاب شده، براساس دستورالعمل تهیه شده پیام‌ها تحلیل و کدگذاری شدند و سپس کدهای مربوطه در برگه مخصوص کدگذاری ثبت شدند. برای بررسی اعتبار و روایی پژوهش حاضر نیز از اعتبار صوری استفاده شد. ابتدا با مطالعه و بررسی ادبیات نظری موضوع، مقولات اصلی جهت ارزیابی برنامه‌های شبکه خوزستان شناسایی شد و سپس برای تعیین اعتبار با اساتید راهنما و مشاور که در حوزه ارتباطات، رسانه و بحران، متخصص و صاحب‌نظر هستند مشورت‌های لازم انجام و اصلاحات صورت گرفت. جهت بررسی پایایی پژوهش در این مرحله، فهرست مقولات و دستورالعمل کدگذاری شده به یک فرد آشنا با روش تحلیل

محتوا داده شد و پس از کدگذاری، درصد توافق بین دو کدگذار در هر مقوله مشخص گردید که در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۲. درصد توافق مشاهده شده کدگذار اول و دوم

| ردیف | مقولات | درصد توافق | |
|------|---|------------|-------------|
| | | مشاهده شده | قابل انتظار |
| ۱ | آموزش و فرهنگ‌سازی | ٪۹۰ | ٪۵۲ |
| ۲ | آگاه‌سازی و هشداردهی | ٪۸۹ | ٪۶۲ |
| ۳ | ارائه اطلاعات | ٪۹۱ | ٪۵۹ |
| ۴ | نظارت و مطالبه‌گری | ٪۹۳ | ٪۵۸ |
| ۵ | تقویت مشارکت عمومی و همبستگی ملی | ٪۹۴ | ٪۵۵ |
| ۶ | امیددهی و آرامش‌بخشی | ٪۹۷ | ٪۶۴ |
| ۷ | تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران | ٪۹۲ | ٪۵۷ |

درصد توافق مشاهده شده و قابل انتظار بین دو کدگذار برای هر مقوله در جدول فوق نشان داده شده است. بدین ترتیب با استفاده از فرمول زیر ضریب پایایی اسکات را برای هر مقوله محاسبه می‌نماییم.

$$\pi = \frac{P_0 - P_e}{1 - P_e} \quad (1)$$

ضریب اسکات برای مقوله «آموزش و فرهنگ‌سازی» ۷۹ درصد، برای مقوله «آگاه‌سازی و هشداردهی» ۷۱ درصد، برای مقوله «ارائه اطلاعات» ۷۸ درصد، برای مقوله «نظارت و مطالبه‌گری» ۸۳ درصد، برای مقوله «تقویت مشارکت عمومی و همبستگی ملی» ۸۶ درصد، برای مقوله «امیددهی و آرامش‌بخشی» ۹۱ درصد، و برای «تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران» ۸۱ درصد بدست آمد. در فرمول ضریب پایایی اسکات عدد بالای ۷۰ درصد نشان دهنده پایایی پژوهش است که هرچه این عدد به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد پایایی پژوهش بالاتر می‌رود. ضریب پایایی اسکات برای همه متغیرهای این پژوهش، بالاتر از ۷۰ درصد بدست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن پژوهش است. با توجه به پرسش پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی شامل (فراوانی، درصد و درصد تجمعی) استفاده شد.

۴- یافته‌های پژوهش

پس از بررسی محتوای مدنظر، محتوای مورد مطالعه بر حسب «مرتبط بودن با بحران ریزگردها» و «منطبق بودن با وظایف شبکه در بحران‌های طبیعی محلی» تقسیم‌بندی شد که در ادامه به ارائه‌ی جداول، توضیحات و نمودارهای مربوطه خواهیم پرداخت.

۴-۱- محتوای مورد مطالعه بر حسب مرتبط بودن با بحران ریزگردها

در این قسمت محتوای برنامه‌های مورد بررسی بر حسب مرتبط بودن عنوان، موضوع، سوالات، پیام‌ها و محتوای برنامه با بحران ریزگردها طبقه‌بندی شد که آمار مرتبط و نمودار آن به شرح زیر است.

جدول ۳. محتوای مورد مطالعه بر حسب مرتبط بودن با ریزگرد

| ردیف | محتوای برنامه‌ها | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|------|-----------------------------|----------|-------|------------|
| ۱ | محتوای مرتبط با ریزگردها | ۱۳۱۷:۳۳" | ۲۴/۸۳ | ۲۴/۸۳ |
| ۲ | محتوای غیرمرتبط با ریزگردها | ۳۹۸۷:۱۱" | ۷۵/۱۷ | ۱۰۰ |
| | مجموع | ۵۳۰۴:۴۴" | ۱۰۰ | |



شکل ۱. نمودار درصد محتوای برنامه‌های مرتبط با ریزگردها

جدول فوق نشان می‌دهد که از مجموع ۵۳۰۴ دقیقه و ۴۴ ثانیه که مورد بررسی قرار گرفته است، ۱۳۱۷ دقیقه و ۳۳ ثانیه از برنامه‌ها معادل ۲۴/۸۳ درصد، به موضوع ریزگردها اختصاص داشته است. همچنین ۳۹۸۷ دقیقه و ۱۱ ثانیه از برنامه‌ها معادل ۷۵/۱۷ درصد، به موضوعاتی غیر از ریزگردها پرداخته‌اند. در مجموع می‌توان گفت که حدود یک‌چهارم برنامه‌ها به موضوع ریزگردها اختصاص داشته است.

۲-۴- محتوای مورد مطالعه بر حسب منطبق بودن با وظایف

شبکه‌های استانی صداوسیما در بحران‌های طبیعی محلی وظایف و نقش‌هایی را بر عهده دارند. این نقش‌ها شامل «آموزش و فرهنگ‌سازی»، «آگاه‌سازی و هشداردهی»، «ارائه اطلاعات»، «نظارت و مطالبه‌گری»، «تقویت مشارکت و همبستگی ملی»، «امیددهی و آرامش‌بخشی» و «تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران» است. محتوای شبکه استانی خوزستان بر اساس نقش‌های ذکر شده مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۴. محتوای مورد مطالعه بر حسب منطبق بودن با وظایف

| ردیف | محتوای برنامه‌ها | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|------|--------------------------|-----------|-------|------------|
| ۱ | محتوای منطبق با وظایف | ۷۳۰':۴۶" | ۵۵/۴۶ | ۵۵/۴۶ |
| ۲ | محتوای غیرمنطبق با وظایف | ۵۸۶':۴۷" | ۴۴/۵۴ | ۱۰۰ |
| | مجموع | ۱۳۱۷':۳۳" | ۱۰۰ | |



شکل ۲. نمودار درصد محتوای برنامه‌های منطبق با وظایف

بررسی اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که از ۱۳۱۷ دقیقه و ۳۳ ثانیه برنامه انتخاب‌شده، ۷۳۰ دقیقه و ۴۶ ثانیه ۴۶ ثانیه معادل ۵۵/۴۶ درصد از محتوا، منطبق بر وظایف و نقش‌های شبکه استانی خوزستان در بحران ریزگردها بوده است و ۵۸۶ دقیقه و ۴۷ ثانیه معادل با ۴۴/۵۴ درصد نیز منطبق بر وظایف این شبکه نبوده است. این اعداد و ارقام نشان می‌دهد که محتوای منطبق بر وظایف نسبت به محتوای غیرمنطبق بر وظایف، از فراوانی بیشتری برخوردار است.

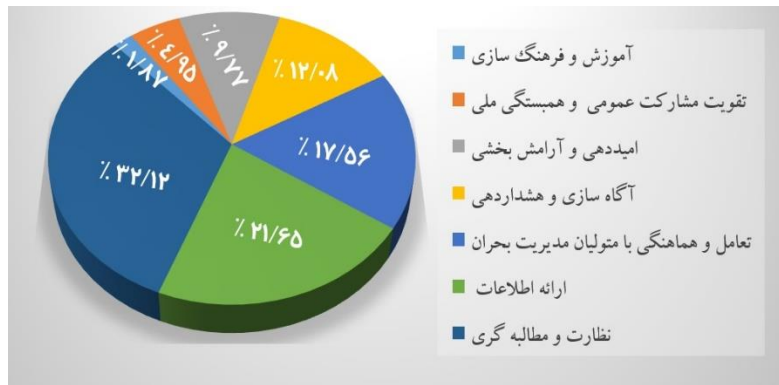
۳-۴- محتوای مورد مطالعه بر حسب منطبق بودن با هر نقش

با توجه به نقش‌های تعریف‌شده برای شبکه‌های استانی در بحران‌های زیست‌محیطی، محتوای تعیین‌شده با توجه به مولفه‌های هر نقش مورد بررسی قرار گرفت که نتایج این بررسی در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۵. محتوای مورد مطالعه بر حسب منطبق بودن با هر نقش

| ردیف | محتوای برنامه‌ها | محتوای منطبق بر نقش | | |
|------|---|---------------------|-------|------------|
| | | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
| ۱ | آموزش و فرهنگ‌سازی | ۱۳':۴۱" | ۱/۸۷ | ۱/۸۷ |
| ۲ | آگاه‌سازی و هشداردهی | ۸۸':۱۸" | ۱۲/۰۸ | ۱۳/۹۵ |
| ۳ | ارائه اطلاعات | ۱۵۸':۱۴" | ۲۱/۶۵ | ۳۵/۶۰ |
| ۴ | نظارت و مطالبه‌گری | ۲۳۴':۴۷" | ۳۲/۱۲ | ۶۷/۷۲ |
| ۵ | تقویت مشارکت عمومی و همبستگی ملی | ۳۶':۱۲" | ۴/۹۵ | ۷۲/۶۷ |
| ۶ | امیددهی و آرامش‌بخشی | ۷۱':۲۴" | ۹/۷۷ | ۸۲/۴۴ |
| ۷ | تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران | ۱۲۳':۱۰" | ۱۷/۵۶ | ۱۰۰ |
| | مجموع | ۷۳۰':۴۶" | ۱۰۰ | |

جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۳ دقیقه و ۴۱ ثانیه معادل ۱/۸۷ درصد از محتوای مورد بررسی شبکه خوزستان منطبق بر نقش «آموزش و فرهنگ‌سازی»، ۸۸ دقیقه و ۱۸ ثانیه معادل ۱۲/۰۸ درصد منطبق بر نقش «آگاه‌سازی و هشداردهی»، ۱۵۸ دقیقه و ۱۴ ثانیه معادل ۲۱/۶۵ درصد، منطبق بر نقش «ارائه اطلاعات»، ۲۳۴ دقیقه و ۴۷ ثانیه معادل ۳۲/۱۲ درصد منطبق بر نقش «نظارت و مطالبه‌گری»، ۳۶ دقیقه و ۱۲ ثانیه معادل ۴/۹۵ درصد منطبق بر نقش «تقویت مشارکت و همبستگی ملی»، ۷۱ دقیقه و ۲۴ ثانیه معادل ۹/۷۷ درصد منطبق بر نقش «امیددهی و آرامش‌بخشی» و ۱۲۳ دقیقه و ۱۰ ثانیه معادل ۱۷/۵۶ درصد منطبق بر نقش «تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران» بوده است.



شکل ۳. نمودار درصد محتوای برنامه‌های منطبق با هر نقش

۵- بحث

با نگاهی به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که حدود یک چهارم محتوای برنامه‌ها به موضوع ریزگردها اختصاص داشته است که با توجه به پررنگ بودن بحران ریزگردها و اتفاقات و بحران‌های تبعی آن در طی این دو سال، محتوای مرتبط با ریزگردها از فراوانی قابل توجهی برخوردار است. مطالعه محتوای مورد نظر بر حسب وظایف نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی محتوای منطبق بر وظایف مربوط به ایفای نقش «نظارت و مطالبه‌گری» است. این فراوانی محتوا بیانگر آن است که بیشتر تمرکز برنامه‌سازان شبکه خوزستان بر ایفای نقش «نظارت و مطالبه‌گری» از مسئولان جهت پاسخگویی به سوالات و خواسته‌های مردم بوده است. یکی دیگر از وظایف مهم در نظر گرفته شده برای رسانه‌های محلی در بحران‌های طبیعی، «اطلاع‌رسانی» و ارائه اطلاعات است. اطلاع‌رسانی و خبردهی روشن‌ترین و اصولی‌ترین نقش رسانه‌های جمعی در مقابله با بحران است [22]. هم‌چنین طبق تحقیقات انجام شده، از نظر مردم نیز رسانه‌ها اصلی‌ترین منبع کسب اطلاعات در خصوص بحران هستند [24]. پس از نقش «نظارت و مطالبه‌گری»، بیشترین فراوانی محتوای مورد مطالعه منطبق بر وظایف به نقش «ارائه اطلاعات» اختصاص دارد. با توجه به اینکه در این پژوهش بخش‌های خبری شبکه خوزستان مورد بررسی قرار نگرفته است، فراوانی محتوای منطبق بر نقش «ارائه اطلاعات» از فراوانی قابل توجهی برخوردار است. دیگر نقش در نظر گرفته شده برای رسانه‌های محلی در بحران‌های طبیعی «تعمیل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران» است. این نقش بالاتر از نقش‌های مهمی چون «آموزش و فرهنگ‌سازی» و «آگاه‌سازی و هشداردهی» قرار گرفته است. این آمار نمایانگر آن است که شبکه خوزستان در کنار انتقاد و مطالبه‌گری صریح از مسئولان، نسبت به نمایش تلاش آنان نیز بی‌تفاوت نبوده است و سعی کرده است در کنار کاستی‌ها از نمایش پیشرفت کار مدیریت بحران نیز غافل نشود. اما در اغلب اوقات مشاهده شد که فرصت نمایش تلاش مسئولان به نمایش تبلیغاتی و شخصی مسئولان بدل شد و از مسیر اصلی خود خارج شد. یکی از کارکردهای رسانه‌های جمعی، کارکرد آگاه‌سازی است. اگرچه این کارکرد با مقوله آموزش از طرفی و مقوله خبررسانی جمعی از طرف دیگر، تداخل دارد، اما رسانه‌ها باید علاوه بر انتقال اخبار و اطلاعات، به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان نیز بپردازند. تحلیل علی پدیده‌های خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علق، موجب تغییر در جهان‌بینی انسان‌ها می‌شود. به همین سیاق وسایل ارتباط جمعی بایستی موجبات آگاهی انسان‌ها از کالاهای مورد نیاز را فراهم سازند [17]. یکی از وظایف رسانه‌های جمعی در بحران‌های طبیعی محلی، «آگاه‌سازی و هشداردهی» نسبت به بحران است. یکی از مهم‌ترین نیازهای مخاطبان در هنگام درگیری با بحران آگاهی در خصوص مفاهیم بحران است. مخاطب مشتاق است بداند چقدر از منشا پیدایش بحران ریزگردها داخلی است و چه میزان خارجی. علق تشدید این بحران چیست و چه میزان عوامل انسانی در آن دخالت دارد و در نهایت اینکه راهکارهای مقابله و تخفیف آثار نامطلوب آن چیست؟. این مولفه در محتوای بررسی شده شبکه خوزستان از فراوانی کمی برخوردار است. «حساس کردن سازمان‌های مسئول نسبت به بحران با یادآوری وظایف محوله» دیگر مولفه این نقش است که ۱۸/۲۳ درصد از سهم محتوای منطبق بر این نقش را داراست. یادآوری وظایف محوله به سازمان‌ها علاوه بر تأثیرات در روند مدیریت بحران، باعث می‌شود که دستگاه‌های متولی مدیریت بحران نتوانند با محول کردن کاستی‌های خود به دیگر دستگاه‌ها از زیر بار مسئولیت پاسخگویی شانه خالی کنند. هم‌چنین این یادآوری، مخاطبان را با وظایف دستگاه‌های مسئول آشنا می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا بدانند وظیفه هر دستگاه و سازمان چیست. این آشنایی با وظایف به آن‌ها در مطالبه‌گری و پاسخ‌طلبی درست و منطقی کمک خواهد کرد. «برجسته‌سازی آثار نامطلوب بحران در کوتاه و بلندمدت» از فراوانی اندکی در محتوای منطبق بر وظایف شبکه خوزستان برخوردار است. مولفه «ارائه اطلاعات تاریخی و نمایش تجربیات گذشته و تجربیات سایر کشورها در مدیریت بحران‌های مشابه» در رتبه چهارم این نقش قرار گرفته است. در مرحله پس از بحران ارائه تحلیل‌های مناسب همراه با آموزش‌های لازم برای پیشگیری از درگیر شدن مجدد در بحران‌های بعدی، بهره برداری از تجربیات به دست آمده در قالب‌های مختلف خبری، گزارشی و تحلیلی می‌تواند به عنوان راهکاری مفید برای مدیریت سالم و طبیعی بحران توسط رسانه‌ها در این زمینه در نظر گرفته شود [3]. این مولفه علی‌رغم اهمیت، سهم بسیار کمی را از محتوای منطبق بر وظایف

شبکه خوزستان را به خود اختصاص داده است. یکی از نیازهای آسیب دیدگان از بلایای طبیعی محلی، نیاز به توجه است. آن‌ها توقع دارند که شبکه‌های محلی به کمک شهرت‌مندان، توجهی خاص، همدلانه، پیش‌دستانه، مداوم، غیرانتخابی به نیازها، درد دل‌ها و مشکلاتشان داشته باشند [14]. در پاسخ به این نیاز یکی از وظایف رسانه‌های محلی در بحران‌های طبیعی «امیددهی و آرامش-بخشی» است. شهروندان درگیر بحران، هیجان‌زده و گاهی عصبانی هستند. دوست دارند صدای آن‌ها شنیده شود و رسانه‌ها به آن‌ها توجه کنند. محتوای منطبق بر این نقش در محتوای بررسی‌شده شبکه خوزستان، ۹/۷۷ درصد بوده است. در این نقش مولفه «همدردی با مخاطبان آسیب دیده از بحران» بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. مجریان و برنامه‌سازان شبکه خوزستان تلاش داشتند تا به مخاطب این پیام را برسانند که خود و خانواده‌هایشان نیز مثل آن‌ها درگیر بحران بوده‌اند و از آن آسیب دیده‌اند. هم‌چنین تلاش کردند تا به مخاطب نشان دهند که از عمق فاجعه و آسیب‌هایی که به مردم رسیده است کاملاً آگاه هستند. مولفه دیگر این نقش «تخلیه روانی آسیب‌دیدگان با پخش صدا و تصویر آن‌ها» بود که ۲۹/۶۹ درصد از سهم این نقش را به خود اختصاص داده است. مجریان و برنامه‌سازان با قرائت پیام‌های ارسالی، پخش گزارش‌های تهیه‌شده از سطح شهر و هم‌چنین پخش تصاویر ارسالی مردم از حال و هوای بحران سعی کردند که هیجانات شهروندان را کنترل کنند و به آن‌ها اثبات کند شنیده شدیدی. پس از آن، مولفه‌های «ایجاد امید و القای حس قابل‌حل بودن بحران»، «مدیریت عواطف و هیجانات جامعه با بهره‌گیری از زبان و رفتارهای آرامش‌بخش» و «تقویت روحیه تحمل و مدارا در شهروندان نسبت به بحران» قرار دارند. گاهی مجریان برنامه‌ها، برای پاسخ‌گویی و مطالبه‌گری و گاهی هم‌دردی با مخاطبان به ایجاد حس ناامیدی و یاس در جامعه دامن می‌زنند و ناخودآگاه پیام‌هایی از سوی آنان صادر می‌شد که حس غیرقابل‌حل بودن بحران را منتقل می‌کرد. هم‌چنین گاهی پیام‌هایی ارسال می‌شد که روحیه تحمل و مدارا را به مخاطبان منتقل نمی‌کرد و این پیام حس می‌شد که شهروندان از بحران مذکور خسته شده‌اند و زندگی در خوزستان در جریان نیست. نقش دیگری که برای رسانه‌های محلی در بحران‌های طبیعی در نظر گرفته شده است «تقویت مشارکت و همبستگی ملی» است [14]. پوشش رسانه‌ای که در شرایط بحران ایجاد می‌شود، باعث جلب مشارکت عمومی در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای می‌شود. این جلب مشارکت حتی می‌تواند در سطح بین‌المللی نیز کمک‌های کوتاه‌مدت کشورهای جهان، چه کشورهای توسعه‌یافته و چه در حال توسعه را در پی داشته باشد [21]. این نقش در محتوای منطبق بر وظایف شبکه خوزستان ۴/۹۵ درصد سهم دارد که مقدار قابل‌توجهی به نظر نمی‌رسد. این نقش شامل چهار مولفه است که مولفه «شکل‌دهی به هویت جمعی مخاطبان بیرون و درون بحران» بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین مولفه «ارسال پیام‌های وحدت-بخش و افزایش هم‌دلی بین مردم» در رتبه بعد قرار دارد. بعضی از پیام‌هایی که در محتوای شبکه خوزستان به مخاطب منتقل می‌شد تاکید بر مظلومیت و مقایسه این استان با استان‌های دیگر از جمله تهران و اصفهان بود که این پیام‌ها بر تقویت وحدت، مشارکت و هم‌دلی بین مخاطبان و هم‌چنین تاکید بر هویت جمعی مخاطبان درون و بیرون بحران تأثیرات مخرب دارد. اما کم‌ترین سهم در محتوای منطبق بر وظایف شبکه خوزستان در بحران ریزگردها متعلق به نقش «آموزش و فرهنگ‌سازی» است که تمامی آن مرتبط با مولفه «تقویت فرهنگ مشارکتی و تعامل شهروندان در حل بحران» است و مولفه‌های دیگر یعنی «ارائه آموزش‌های مصون‌ساز و انطباقی»، «استفاده از کارشناسان جهت آموزش زیست‌محیطی» و «استفاده از روش‌های متنوع و جذاب جهت آموزش اثربخش» در محتوای مورد بررسی سهمی نداشته‌اند. آموزش و فرهنگ‌سازی یکی از مهم‌ترین وظایف رسانه‌ها است و این اهمیت به‌حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما نقش «آموزش موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، وظیفه آموزشی انجام داده و دانستی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند [17]. اما رسانه‌ها در خصوص آموزش مسائل زیست‌محیطی نیز می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند به گونه‌ای که امروزه گفته می‌شود یکی از عوامل مهم در آموزش‌های زیست‌محیطی آموزش توسط رسانه‌های جمعی است [20]. رسانه‌های جمعی رسانه‌های آموزشی برای توده‌های مردم، فارغ از طبقه، نژاد، تنوع اقتصادی، جامعه‌شناسی و رنگ پوست هستند. رسانه‌های جمعی اولاً برای افراد زیادی قابل دسترسی هستند و دوماً وقت زیادی را صرف مسائل زیست‌محیطی می‌کنند و سوماً مردم علاقه‌مند به پیگیری مسائل زیست-محیطی ارائه شده توسط آن‌ها هستند به طوری که برنامه‌های مربوطه را نگاه می‌کنند و یا به آن‌ها گوش می‌کنند و هم‌چنین مقالات، روزنامه‌ها و یا سایر نشریات کتبی مربوط به مسائل محیط‌زیست را مطالعه می‌کنند [23]. یکی از نیازهای مهم آسیب-دیدگان از بلایای طبیعی نیز، نیاز به آموزش، پیش و پس از وقوع بلیه طبیعی است. آن‌ها توقع دارند آموزش‌هایی آگاهی‌بخش، غفلت‌زدا، آرامش‌بخش و معطوف به مخاطرات بالقوه محلی بصورت مداوم، توسط رسانه‌های محلی ارائه شود. هم‌چنین آموزش‌هایی کاربردی معطوف به نیازهای آسیب‌دیدگان، به منظور مصون‌سازی در برابر مخاطرات آتی، پس از وقوع بلیه طبیعی عرضه شود [14]. با توجه به اهمیت این نقش، متأسفانه محتوای منطبق بر این نقش از فراوانی بسیار کمی برخوردار است و گویای آن است که برنامه‌سازان و مدیران شبکه خوزستان به ایفای این نقش کمتر توجه کرده‌اند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش خواجه‌ئیان و همکاران (۱۳۹۷) که در پژوهش خود به بررسی بازنمایی رسانه‌ای حادثه خاموشی‌های گسترده برق استان خوزستان (در بهمن‌ماه ۱۳۹۵) که ناشی از بحران ریزگردها است می‌پردازند، منطبق است. آن‌ها در یافته‌های خود اعلام می‌کنند که صداوسیما از کارکرد «آموزش و فرهنگ‌سازی» غافل مانده است. اگر وظایف مختلف شبکه خوزستان را بر اساس سهمی که از محتوای مورد بررسی به خود اختصاص داده‌اند از بیشتر به کم‌تر مرتب کنیم به این اولویت‌بندی می‌رسیم: «نظارت و مطالبه‌گری»، «ارائه اطلاعات»، «تعامل و هماهنگی با متولیان مدیریت بحران»، «آگاه‌سازی و هشداردهی»، «امیددهی و آرامش‌بخشی» «تقویت مشارکت و

همبستگی ملی» و «آموزش و فرهنگ‌سازی». رشیدی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به اولویت‌بندی کارکردهای رسانه‌های جمعی در مدیریت بحران‌های طبیعی پرداخته‌اند. بر اساس این اولویت‌بندی، رسانه‌ها در مراحل پیش، حین و پس از بحران، کارکردهای «آموزش و فرهنگ‌سازی»، «اطلاع‌رسانی»، «تقویت مشارکت عمومی»، «ارزیابی و نظارت بر کار مدیریت بحران»، «پاسخ‌طلبی از مسئولان» و «آرامش‌بخشی و امیددهی» را بر عهده دارند. نقش «آموزش و فرهنگ‌سازی» در محتوای شبکه خوزستان در اولویت آخر قرار گرفته است در حالی که با توجه به اهمیت آن، همانگونه که در اولویت‌بندی رشیدی و همکاران (۱۳۹۳) ذکر شده است این نقش باید بالاتر از نقش «اطلاع‌رسانی» در اولویت اول قرار گیرد و باید بیشترین محتوای رسانه‌های محلی از جمله شبکه خوزستان به کار در حوزه این وظیفه اختصاص یابد. طبق اولویت‌بندی رشیدی و همکاران (۱۳۹۳)، پس از نقش‌های «آموزش و فرهنگ‌سازی» و «اطلاع‌رسانی»، نقش «تقویت مشارکت عمومی» در اولویت سوم قرار دارد اما این نقش در اولویت‌بندی شبکه خوزستان در جایگاه مناسبی قرار ندارد و باید بیشتر به ایفای این نقش اهمیت داده شود. نقش «نظارت و مطالبه‌گری» در اولویت اول شبکه خوزستان قرار گرفته است که نشان می‌دهد شبکه خوزستان به این نقش در مقایسه با نقش‌های دیگر بیش از آن میزانی که لازم است توجه کرده است. این نقش باید پس از کارکردهای «آموزش و فرهنگ‌سازی»، «اطلاع‌رسانی»، «تقویت مشارکت عمومی» مورد توجه قرار گیرد. وظیفه «آرامش‌بخشی و امیددهی» منطبق بر اولویت‌بندی رشیدی و همکاران (۱۳۹۳) در اولویت آخر قرار گرفته است ولی در محتوای شبکه خوزستان این نقش بالاتر از نقش‌های بسیار مهم «تقویت مشارکت و همبستگی ملی» و «آموزش و فرهنگ‌سازی» قرار گرفته است.

۶- نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که از ۱۳۱۷ دقیقه و ۳۳ ثانیه محتوای مرتبط با ریزگردها که مورد بررسی قرار گرفته است، ۷۳۰ دقیقه و ۴۶ ثانیه معادل ۵۵/۴۶ درصد منطبق بر وظایف و نقش‌های شبکه استانی خوزستان در بحران ریزگردها بوده است و ۵۸۶ دقیقه و ۴۷ ثانیه معادل با ۴۶/۵۴ درصد نیز منطبق بر وظایف تشخیص داده نشده است. اگرچه محتوای منطبق بر وظایف نسبت به محتوای غیرمنطبق بر وظایف از فراوانی بیشتری (با فاصله کم) برخوردار است اما فراوانی محتوای غیرمنطبق بر وظایف نیز بسیار قابل توجه است.

منابع

- [1] طاهر روشندل اربطانی، ۱۳۸۷. تدوین الگوی جامعه مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۰، ۸۴-۶۰.
- [2] عباس بازرگان، ۱۳۸۳. ارزشیابی آموزشی. انتشارات سمت.
- [3] حسن بشیر، ۱۳۸۷. رسانه‌ها و معناشناسی بحران، پژوهش‌های ارتباطی، ۱۵.
- [4] پرویز تاجداری، ۱۳۸۴. روش‌های علمی تحقیق همراه با نظریه ارزشیابی، انتشارات انا.
- [5] روح‌الله تولایی، ۱۳۸۶. رویکردهای نوین به ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، نشریه توسعه انسانی پلیس، ۱۲، ۱۰-۳۰.
- [6] علی خالق‌خواه، و نسیم مصرخانی، ۱۳۹۴. الگوی ارزشیابی Cipp. کنفرانس ملی آموزش و توسعه منابع انسانی.
- [7] خبرگزاری شفقنا، ۱۳۹۶، <https://fa.shafaqna.com/news/517246>.
- [8] خبرگزاری فارس، ۲۳ تیر ۱۳۹۶، <https://www.farsnews.com/Fa/News/340488>.
- [9] داتیس خواجه‌تپان، اشرف السادات پسندیده و سعید قنبری، ۱۳۹۷. رسانه و بحران: بازنمایی رسانه‌های حادثه خاموشی‌های گسترده برق استان خوزستان (در بهمن‌ماه ۱۳۹۵)، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۳.
- [10] احتشام رشیدی و مهدی نوری و محمدعلی نکویی، ۱۳۹۳. شناسایی کارکردهای رسانه‌های جمعی در مدیریت بلایای طبیعی بر اساس فرآیند تحلیل شبکه‌ای، نشریه مدیریت بحران، ۶، ۱۵-۲۴.
- [11] علی اکبر سیف، ۱۳۸۲. اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، انتشارات دوران.
- [12] شبکه استانی خوزستان، وبگاه، ۱۳۹۷.
- [13] سیاوش صلواتیان، ۱۳۹۵. طراحی الگوی جامع نقش رادیو و تلویزیون‌های محلی و ملی در مدیریت مخاطرات طبیعی ایران، نشریه دانش مخاطرات، ۳، ۲۱۱-۲۳۲.
- [14] سیاوش صلواتیان، علی اکبر فرهنگی، ۱۳۹۵. مدیریت رسانه‌های بلایای طبیعی محلی: با رویکرد نقش شبکه‌های استانی صدا و سیما، انتشارات دانشگاه صداوسیما.
- [15] زینب عبدی، ۱۳۹۳. نقش و کارکرد رسانه‌های جمعی در طرح مسائل زیست محیطی، نشریه رفاه اجتماعی، ۱۴، ۳۱۵-۳۵۰.
- [16] محسن گودرزی و یاسر اشراقی، ۱۳۹۴. ارتباطات زیست محیطی و آسیب‌شناسی نقش زیست محیطی رسانه‌های ایرانی، نشریه پژوهش‌های ارتباطی، ۸۴، ۹-۳۳.

- [17] الهام کوهی اقدم، ۱۳۹۲. نقش رسانه‌های جمعی با (تاکید بر تلویزیون) بر ارتقا سواد زیست محیطی معلمان مقطع راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- [18] مهدی منتظر قایم، و رضوانه عرفانی حسین پور، ۱۳۹۵. رسانه و محیط‌زیست؛ مقدمه ای بر ارتباطات زیست محیطی، نشریه رسانه و فرهنگ ۶(۱۲)، ۱۴۵-۱۷۰.
- [19] مجتبی نریمانی، ۱۳۹۵. آسیب‌شناسی راهبرد سیمای آذری شبکه جهانی سحر. «پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا و سیما».
- [20] Baldauf, Brooke Mcbridge. 2011. Essential Elements Of Ecological Literacy And The Pathways To Archieve It: Perspectives Of Ecologists, The University Of Montana Missoula.
- [21] Cosgrave, J. 2007. Synthesis report: expanded summary: joint evaluation of the international response to the Indian ocean Tsunami. Available at: www.tsunami-evaluation.org.
- [22] Quarantelli, E. L. 1991. Lessons from research: findings on mass communications system behavior in the pre, trans and postimpact periods, In Seminar Report on Crises and the Media, Easingwold, England: The Emergency Planning College: 1-60
- [23] Saikia, Ruksana, 2014. Role of mass media in creating environmental awareness, National Journal of Multidisciplinary Research and Development, vol2, pp. 10-40.
- [24] Wenger, D. & James, T. F. & Faupel, C. E. 1980. A few empirical observations concerning the relationship between the mass media and disaster knowledge: a research report. Disasters and the Mass Media, Washington, DC: National Academy of Sciences, 241-253.